

عزاشك يك غزل

www.ketab.ir

حسن درویشی



- سرشناسه
عنوان و نام پدیدآور
مشخصات نشر
مشخصات ظاهری
شابک
وضعیت فهرست‌ریسی
موضوع
موضوع
رده‌بندی دهه
رده‌بندی دیویی
شماره کتابشناسی
- درویشی، حسن، ۱۳۶۷ -
هر اشک یک غزل/ حسن درویشی.
قزوین: فحوای دانش، ۱۳۹۵.
۸۶ ص.
978-600-94634-5-9
فیفا
شعر فارسی-- قرن ۱۴
Persian poetry -- 20th century
PIR۸۳۵۵/۸۳۵۵۵۴ ۱۳۹۵
۸۱/۴۲
۴۵۶۲۸۵۲

مؤلف: حسن درویشی

ناشر: فحوای دانش

صفحه آرای: سعید سرشار

طرح جلد: سعید سرشار

شابک: ۹-۵-۹۴۶۳۴-۶۰۰-۹۷۸

نوبت چاپ: اول

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

قیمت: ۶۸۰۰۰ ریال

کلیه حقوق محفوظ است

فهرست

- ۱..... سرمه بر چشمان مکش، این گونه طنازی نکن
- ۲..... مدام "یزاترین لبخند تو ما را نمی فهمد"
- ۳..... در یعنی دلبرت اول سلامت می کند
- ۴..... مثل یک - در که - اندازه بی تابست و بس
- ۶..... بمان درون - بم که بهمرن وهمی
- ۷..... غزل غزل تو و چشمت ففس من و آه
- ۸..... من حس و حال فصل پاییزم، روی به گ زرد و دستم سرد
- ۹..... وابسته به یک حادثه بودن بلدی - به
- ۱۰..... می نویسم یک غزل، وزن و ردیفش چشم تو
- ۱۱..... در طالع درویشی ما شاه نیاید
- ۱۲..... وقتی خدا گلت، با صد گنه سرشت
- ۱۳..... چشم تو عالیست اما امشب عالی تر شده
- ۱۴..... مرگ یک دنیاست جانم کوچه بن بست نیست
- ۱۵..... نان خشکی، شانه ای پر درد دارم، می خری؟
- ۱۶..... شاعر نشو بیچاره، بیچاره تر از او نیست
- ۱۸..... او فقط از عشق می ترسید، رفت
- ۱۹..... جسم درویشی درون گور شاعر می شود

- ۲۰..... این دایره عشق چه بد هندسه‌ای شد
- ۲۱..... آخ دندان‌های من سطح لبانم را برید
- ۲۲..... خوش به حال روسری، در دامنش زلفان توست
- ۲۳..... ناز کن من یک هنرمندم که نازت می‌کشم
- ۲۴..... این همه بدگویی، انگار ثنا کردی
- ۲۵..... غزل بسراییم، با دو لب یک دل
- ۲۷..... بیا زایید گاوم بیده عشق از دستم
- ۲۸..... به خواب دارم که بی بی جان تو کافیست
- ۳۰..... لامروت باد را ناله شق کرده‌ای!
- ۳۱..... اقرا بسمه چشم زیبایت به من "هام" اند
- ۳۲..... دلم به شعر سپید و ترانه مشحوب است
- ۳۵..... هیچ دیوانی بدون چشم تو منظوم نیست
- ۳۶..... خواب بر چشم ترم نیست به دادم برسید
- ۳۹..... آخر این فاصله‌ها جان مرا می‌گیرد
- ۴۰..... هم‌صحبتی شمع نیاموخته‌ای دل
- ۴۱..... غربت جسم مرا گور فقط می‌فهمد
- ۴۲..... بیا که رنگ زمستان گرفته موی من
- ۴۴..... با این همه هم قرعه تاست به دلم نیست
- ۴۵..... همیشه در سکوت اهل سخنرانیست چشمانم
- ۴۶..... رد پای خسته یک مرد پیدا می‌شود

- بی‌باک شبیه سر درویش سری نیست ۴۷
- وقتی که پای پلنگ خیالم شکست ۴۸
- امروز خرابم، نکند دیر بیایی؟ ۵۰
- آن کلبه زیبا وسط جنگل سرسبز ۵۱
- بیا ردت بشنو لا اله الا تو ۵۲
- به آب تنگ خودت خو کن و به دریا نه ۵۳
- وقتی ده خانه به زار رگیب می‌کنی ۵۴
- درد است بخواب و تیر خراب نباشی ۵۵
- ای باعث آشوب در این غنچه‌ها ۵۶
- که عشق در همه جا، اتهام مجنون است ۵۷
- بوی رفتن می‌دهی، احساس غربت می‌کنم ۵۸
- این قصه بخوانید که ابهام نباشد ۵۹
- رسم دلبر شدن این نیست که پنهان بشوی ۶۰
- وقتی غزل به دست قلم‌های زرد مرد ۶۱
- دلش گرفته و از درد بیشه می‌میرد ۶۲
- در شب توفان غم، آرام بودن مشکل است ۶۳
- به من که دل زده ام از دیار بی‌خبران ۶۴
- نکند عشق به دست تو فرییم بدهد ۶۵
- حیف شهر قشنگ چشم‌ت نیست ۶۶
- ز پيله رحمت تا برون که میایی ۶۸

جایی که حرف خدا... به جایی نمی رسد..... ۷۰.....

آنکه بر حاجت ما استجاب نیست..... ۷۱.....

امدم تا که ز دکان تو سامان بخرم..... ۷۲.....

من صیفه مرگم و تو هم عاقد مایی..... ۷۴.....

انت به زردی زر، صورتت طلای سپید..... ۷۵.....